

۴- کشور کهنسال چین و هنگامه جنگ سوم

هنگامه جنگ سوم
 هفت ما است که سخن بحث جلاد
 در دل نشینی طاق سیما را که چهره
 درخشان صلح و آزادی را بخواهید است
 طامه دول جنگجو، و طایع ته و کنسی
 که مر آن در چین منتهای ماست
 صیحه سائلی و ارضاط جهان بیسی
 پایتخاب موضوع لونی پخت نمودیم
 که با آن مومالی که بیگان مویسه
 چنگ ناز، و خویشی است و کشورهایی
 که با فرخ صیحه سرشته و پاکبانه
 آن بیره خوراندند، و خواهدهای اخلاف
 ودولیت سیاسی و اقتصادی دول مستطبی
 با خنده و پیش روی بی بهره من سکرده
 و آنگون برای اینکه نومه پیشتردی
 پخت سیاسی خود بدست آوریم، در
 در ایران و صحرایان سیاسی اجناسی
 اقتصادی کشور کیشار و آسانی بین
 صحت موعایم نمود زیرا فهم و مشا
 در طریقی که برای درک پندی سائل
 سیاسی ضروری است فائده نشینی جهان
 خواندگان که هرگز غواهد داشتند
 و انحراف لفظ آنان را مرتفع خواهد
 نمود.

بهر حال در این مقاله بزرگوش
 و جهد خواهد شد که نظریه نوتدهای
 حلقه لفظی اصول فلسفی را ذکر کرده
 و هرگونه کلیت دیگری چه از نظر
 سیاسی یا از نظر فقه اصولی دیگر
 چنین یافت میشود و روی پرده سکر
 کترسکر و با آب و روغن منقش و
 فریفته ترسیم ناهماهنگ نماید
 منظوب گردد.

کشور باستانی چین

بسیکته از ۲۰۰۰۰۰۰۰
 ساکنین کره زمین بیش از ۲۵۰ میلیون
 (یک چهارم دنیا) در چین زندگی می
 کند.

از ابتدای ۲۰۰۰۰۰۰۰ سال پیش
 ۱۶۲ کشور و ۱۷۱ تنه و ۱۷۱ تنه و غیره
 میباشند.
 سطح این کشور کهن سال فریب
 ۱۱ میلیون کیلومتر و مساحت آن ۹۶
 هزار کیلومتر میباشد که پنج درصد
 مسوده به آب و ۱۶۰ هزار موده به خاک
 است و در سال هر یک بمی بلامه ۵۰۰
 کیلومتر وصل خاک جابجایی هوروی -
 (سیربه و ترکشان هورودی) است.
 جلور چین بیته و فیه بریره مستوجین
 از شان و شرق با اقیانوس کبیر
 همسرت و همسایه است. چین دولتی
 بدست اراضی تکلیفون آب و هورامانی
 مختلف است.

جنب از امانی این سرزمین پشاور در حال
 آن درازای زمین ستولانی است اختلاف
 و لغو و فرط اختلاف و متناظر در
 ساعات و مسور بود این از کره ای
 و دریا ما سبب اختلاف لجه زبان و
 چند هزاره پیش می تا سایر ملل عالم
 تا در وقت لوله برود و یک مستقیم
 طلب اتفاق کی امروزه این ملت از این
 جهت خطی هر حرکت با چندی
 ده هزار ملافه که بگره بگره مورمان
 طلب مانگی چینی ما است ۹۰ در
 صد از امانی این سرزمین پشاور در حال

تفسیر تحولات سیاسی

و نیاد ایران در محضه کشه

روستا ها زندگی میکنند و پیش از ده
 دوهده هفتدین لیست.

چین منجمه است از ۲۲ ایالت
 و تا قبل از انقلاب ۱۹۱۱ در چین
 ستوف روسی و دارای طبقات چهار
 گانه علماء - و ارضین و مستکاران و
 تجارخانه میشد.

سایر طبقات مانند، تابع و اربابا،
 کولی ها، آنگر ها از حقوق محروم
 بودند ولی انقلاب و روس سرمایه داری
 تغییرات مهمی دوزده گان چین دادوه
 در حیات سیاسی و اجتماعی لوی لونی
 بطهور آمده است که مبارزات است از
 سرمایه دار، صاحب کارخانه و طبقه
 کارگران میباشد پیش از این که نمود
 نظر در روس سرمایه دار را گرفته است
 ملت ذخارت طبیعی و بازار وسیع و دینی
 غود میباشد.

در چین تروت های سیاسی با اندازه
 زیاد و اسیست ذخیره، دفن سنگ و آهن
 در دلف بود دوزده چک پشمار میاید
 و این کشور از لحاظ مصرف کالا های
 معمری و دست نمود برای سرمایه داران
 و کارخان دار، و ترست های خارجی بازار
 گراپانی است و ملت اساسی هیوم
 سرمایه های خارجی بازار های چین
 هورام لوف و ارزوای کرایبشت.
 صنایع و استخراج مالدن در این
 کشور تا امروزه چنان پیشرفت ننوده
 است و علت و این امر موضوع این است
 که اوضاع سیاسی و اجتماعی و فشار
 اقتصادی دول بزرگ نسیگلداری
 چین یک کشور به تمام منن منن
 گردد.

تا نام

در ایران ما چه می گذرد؟

شد آذربایجان

چنانچه سخن اخباره پیش است اطلاع
 داده شد نیروی دولتی پی از زوروه
 پر گر آذربایجان در سراسر منطقه
 مزبور مستقر و برهادهای رایش
 پار مستور که این امر غیر مترتی
 تلقی شد و منحن تیران و تیران صیبه
 سیاسی بر فراز گرفت ساندکه ارتش
 و دولت اذان نیروهای مورد متابق
 ارت گرفته اند - اسیفترت سایولی
 دستخطی خطاب به ارتش لغت وزیر
 صادر و از احسان مستطالیه میساکلداری
 فرموده.

و مینور برای اینکه این تقدیر
 و توشین ماروشنا احساسات و فارخانی
 های ارتاد را در یک سیرای و اندر ار
 دهنه همتیالی به آذربایجان اعزام
 گردید تا در دریده اوضاع آتسار را
 بچشم بینت و ستر روزه ارتش پاکدان
 مرگدویز در میدان سه تهران انجام
 شد و نتایج صریحله به آذربایجان بر
 که شروع اختلافات در سراسر ایران
 بود جنب آتسانی لغت وزیر طی
 سخن وای خوشی از آزادی اصلاح

پارواغ خوش بین بوده ام و آنگون دو
 آسان سیاست هلام پیشتر برای بهبود
 اوضاع بدهداز شده است و آزادی
 سقیقی برای داشتن آن همه و اوضاع
 در مسکو نمایان خواهد شد زیرا در این
 پایتخت موضوع حلقه مدیم نامه صلح با
 آلمان مطرح مذاکره فرما خواهد
 کرد.

بهر تقدیر پس از این همه خوش بینی
 و صدق و شلوش تصور ایجاد نقره و
 نشنت سوسده بین دول متفق موضوعی
 است که دوزمه آن از گوشه و کنار
 بگوشی میرسد و همه تصور میکنند که
 یگرهش در دین سره تعامم باز مسکن
 است چه در سخن غرض شید صلح برای
 مدتی پوشد.

گرمی خواست فرانسه را سوسیالیستها کند ولی بلوم سوسیالیست پیوسته با این فکر مخالفت میکند

پس از مخالفت سرب و ورخن
 احزاب چپ سرانجام لئون بلوم کابینه
 هوروا در وضع غنم و صیبه تشکیل
 داد.

صیبه ترسز حلقه مخالفت حزب
 کمونیست و رابون پرده و لاف اظهار
 نمود.

بید چگونگی مخالفت بلوم هورون
 را مربوط بر نامه بلوم میبانه آید
 مخالفت حاصل کابینه بلوم را مشکل
 میکند.

این مخالفت ها و نشنا نرسبانی
 که در ایران دولت بلوم پرده
 و بحث اصولی که منبای آن اینست که
 بلوم پیوسته با تشکیل آلمان واحد و
 ملتت مخالف است از اول لحاظ احزاب
 چپ مخالفت همدی بسا بلوم لغواشته
 لود مساللی است که هر مرد اخری
 که وادار میکنند که قبول نماید که
 گواشیکه بلوم کابینه هوروا در مسوده
 از اراد سوسیالیست تشکیل داده و گو
 اینکه بلوم یک و لیدر سوسیالیسم -
 سوسیالیست دوزمین میباشد و گواشیکه
 خبرت خاصی دارد که مساب افکار
 سالیان دیگری است مداخلت لیت
 احتیاجان لسی فرانسه دولت اول دست
 یک رفته اوضاع اصلاحی خواهد زد و
 نظر او را پیش خواهد خواند و این
 فرانه واتی پیش نوتوی می دود که ما
 می بینیم که بلوم پیش و کموردهای مخالف
 خود در کراس فرمی بزمست و ایران
 خود و بزرگان وقتای صیبه خود
 انتخاب فروده است.

بهر حال و بطور کلی این نوبه
 نظر پاشی بود که در ایران کابینه
 لئون بلوم لیدر صیبه سوسیالیست فرانسه
 وادار بود.

استقلال بره

استقلال بره و هوروه وجه دستر
 اتلی دوزایان انگلستان و سه ملت بی
 برده ستر هرچیز از سترین و طایع سیاسی
 هلت گذشته است.
 گفتار آتسای
 آنگون دوباره اظا رسوی مسکودت
 هده وحه منتظره که بیینه مسول
 گفتار آتسای آمده چه خواهد بود

اسرار بارزان (۹)

خلف و عدله

روز بیستم آوریل ۱۹۴۵ بود که خبری از افسر فرمانده اربیل واصل شد مبنی بر اینکه روز پنج ۲۱ آوریل ملازومرو میخوادم هرت عبدالعزیز او در حیرت مبتلا نباید. فوراً جزن عبدالعزیز از طرف رجم دستور داده شد که به سمت محمود پیر میر عزیت نباشد. این دور میاد که حاضر شده ولی ملازومرو آمده و مراسم داده که روزان اسمیل نامی روز ۲۲ آوریل پشدار (نامی) اطلاع داد که روزان اسمیل نامی وزیر جنگ عراق اتومبیل خواهد فرستاد تا هرت عبدالعزیز در بیلان و صلاح - ابدین به حاضر شده بایستن املان نماید. بلافاصله دستور حرکت به هرت عبدالعزیز صادر شد که عزیت نبوده محمد مصودوا رو همراه خود ببرد آنها حرکت نبوده و پیفر بیلان لنگر در صلاح الدین رسیده ولی وزیر جنگ اسمیل نامی پشدار مراجعت کرده بود.

ولی عزیت وزیر جنگ مانع از این نشد که هرت عبدالعزیز سلاطنتی همزمانه و نظریا در حدود چهار ساعت با روزان صالح صاب رئیس ستاد کل او تشر در آن جا بنیاید این ملاقات همزمانه بود و بدون حضور روزانه دیدگر یعنی محمد مصود انجام گرفت.

بدایال صرفی و شرف

ملاقات با بیان یافت، عزت عبدالعزیز هاد از دفتر رئیس ستاد خارج شد و اظهار داشت اوضاع سیاسی بسیار مساعد است و خطری متوجه ما نمی باشد می توایم با تمام بازرگان و بازرگان رفته با محور بیرونی با هم بیرون آیم. جز این از این فرصت استفاده نایم. اتومبیل حاضر بود و فرستادگان با اربیل عزیت نبوده و در اربیل بنیاید عزت هیوا را ملاقات نبوده متوجه ساستند که دولتی هرت و انگلیسی اسرار دارند. باینکه اسرار بارزان را تشر گفته بایشون مراجعت نباشد. پس از آن جلسه یافتن از جریان امر لازم بود عزت نظریه خود را در اولاد داد و از این جهت کلیه فواید ماده تشکیل یافت و اکثریت قریب باقیان در اربیل چنین تصمیم گرفت که اظهار نظری نبوده اختیار هر کس تصیم را بگذرد و آزادی و گذار نباید.

دهسان اباسی که این موضوع بیکلیت فوق جریان داشت، ملازور و لن سلون مشاور سیاسی سلفی هر کس که بود با اربیل آمده بود و تکیه مذاکرات با بیان تا فرستادگان هیئت آزادی حتی هرت عبدالعزیز و محمد مصود هاد هم بر میر شده ملازور و لن هم چون کارهایش پایان یافته بود در اربیل سفر آنها راهمراهی نمود بدین ترتیب هر سه نفر با هم بر میر رفتند.

چیزی از ورود آنان بر میر نگذاشت که ملازور مو هم در آن جا حضور یافت. عزت عبدالعزیز با استفاده از این تصادف و تواضع یک ملاقات

مرد هم با ملازومرو پس ایل آورد. روز ۲۵ آوریل ملازومرو - عزت عبدالعزیز و محمد مصود یازاران مراجعت کردند. دو این سفر ملازومرو بیضمه ملاقات شیخ احمد برادر بزرگ ملاصطفی آمده بود پس از ورود یازاران ملازومرو بیملات شیخ احمد رفت و پس از مذاکرات زیاد خلاصه گفت اسرار این است که او اسرار دولت عراق را اطاعت نبوده یازاران براعت منقول شود. شیخ احمد که از این ملاقات چندان اثری نبرد. با شغوت و تنمی پاسخ داده از اطان خارج گردید و ملازور - مو هم مراجعت کرد.

تصمیم هیئت آزادی - مراجعت اسرار

روز ۳۰ ماه آوریل ۱۹۴۵ هیئت آزادی تشکیل جلسه داد تا با هر نظر گرن جریان های اخیر آخرین تصمیم خود را اتخاذ نمود و بوضع اجراء گذارد. در این جلسه میر حیا احمد که از طرف هیئت آزادی احضار شده و برین گردیده بود که یازاران فراتر گنند حضور داشت. پس از آن، کرات در این جلسه نیز تصمیم گرفته شد که عزت عبدالعزیز و محمد مصود و احمد اسمیل به فتوح مراجعت کنند و معضی خوار و میر حیا احمد یازاران را ترک کنند در منطقه ای خارج از بارزان سکونت اختیار نمایند.

اوضاع واحوال حاکم مکرک که هیئت آزادی این تصمیم را اتخاذ نماید زیر برسیاست در مقابل اسرار روزنهان روزنهان پاسخ میدهد که شاید روزنه ابیدی در آن یافت تسلیم شد. ولی لفظی که در ماستلمه زورمند و ضیف میبازارت و حسن روات و پشتروستی وجود ندارد. روزنه همه چیز را برای خود میبازارت کلیه خواسته هایش باید صحیح و نایل از مرتبه تعیین داده شود قانون، نان و نان زور است و ضیف بجمک به ابرای آن میباشد. اگر ضیفی از امر زورمند سرپیچ کرد و به ناعادتی های آن هنوز نتواست فوراً تسلیم خود را بکند و بتبر و عیانت است و کفرش اسلطان و نابودی میباشد.

تصمیم هیئت آزادی بوضع امیرا گذارده شد و در نظر از اسرار مصطفی خوار و میر حیا احمد همان روز هرت یازاران را ترک گفتند. روز بعد یعنی دوم ماه مه تصمیم معضی بارزان به حضور اسرار ای که بیواست طبق تصمیم هیئت آزادی به فتوح مراجعت نمایند یعنی هرت عبدالعزیز و محمد مصود و هدایب و پائر و احمد اسمیل بوسله اتومبیل ملازور و لنس از طریق شلاوه به اربیل حرکت کردند.

بلم آت های ت امینان

انتخابات

و توقیف روزنامه

جناب آقای دکتر اردلان از بهار فتح و فتح آذربایجان، از نوازش های مولانا، از انانیت جناب نقست و ذری خلاصه از هراتان نوشته امید فاضله ابهری کشور انتظار داشته انتخابات اسماں در یک محیط آرام بنام کنکور ملت با بیان خواهد رسید مسالمانه توقیف روزنامه کوهستان در دفتر یک شیخ هوکانت ویت برده تازی و در مقابل این همه آزادی و آمان همه ملائندان بدیدار و نمایان ساخت، و کسی انتظار عداقت آدمی در این موقع که یک روزنامه بنیاید اکسیر آزادی دیداری ارواح و دهری و رادی که بنامش باجاسه باشد صرف فرزند روزی با نظر شخصی یا شغافسای شود. آدمی روز نامه که از گان بصوصی منتصفه و معیض باشد.

آهیم روزنامه که هر هرگز

کشور انتشار یابد و از نظر سرائر و زاهدان برای ملت بگذرد آنوقت درمعه میدان یک یا دو نفر مامور گران آید و بنادین عارضی را در اکثر باز دارن اصاحا طلب مشهور و ادنی مصداق پیدا کرده می باشد ولی ...

بسیاری است امروز منتصفه ستر و پاته و هرشت در نظر اولیای امور مرکز سیاست و قضایات ناخردهان ظلم دادنده و علان مامور هم خود را ذیق

آگهی انحلال شرکت

طبق صورت مجلس مجمع فوق العاده و تاسفانه شمار ۲۵۰ شرکت سیاسی پیش کلاهی ذقانیان سنج در تاریخ ششم آبان ماه ۱۳۲۵ منحل گردیده و هیچ نفر از آنان مرفوعه اسلامی ذیل - عبدالعزیز کریم روف - حیا آزادی بود - محمد امین ظهیری - حبیب الله اشوان - محمد علی ملکی بست هیئت تصفیه انتخاب و معلوم شده اند - و مراتب ذیل شماره ۱۹ دفتر شرکت های گردید.

۵۲- آ - رئیس ثبت گردستان - حشمت الله منیری

آگهی حضور وואلت

همه خان ابوبکر میباید خدمت است دادگاه پیش کرهستان تقدیم که لطف آبان ابوبکر میباید مستحق وقت ورود آن و منصرف بشماره ۱۰ (ده) وسه پس (بخلاف - خلیل - محمد شریف) و چهار دفتر (فرشته - مریم شهبه - ملک - زین تاج - آئینه شهبه (گلرنگ) میباشد باینکه شش ششانه و گرواینامه برای استفاده از کلیه ترکه متوفی خود صور کرده است و مراتب در آن مراتب سه یا متوالی در روز نامه رسمی کشور و نامه کوهستان در یک میباید گردید. و احوالی با وصیت نامه رسمی بایستی وارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه و الا گروای مامور میشود و کسی دادگاه پیش کرهستان - خیامی

۵۵- آ - روز ۴۵ درت هیدارنار و احمد اسمیل و محمد مصود به حرکت کرد

عزیت نبوده روز بعد باین اسرار با ملازومرو ملاقات و پس از مذاکرات که جریان یافت روز اول گفت باید هاضوه را به بنیاید و برسیاید و برسیاید که ضرورت ایجاد بنیاید با زومرو را در سفارت خانه ملاقات کنید. در روز بعد اسرار در بنیاید در راه وزارت جنگ سفری کردند - ولی پس از بیست روز تسلیم دادگاه شد.

روز پنجم زون محمد مصود که یکی از این اسرار تسلیم شده به دادگاه بود میداد و بارزان را ترک کرد و در این مسافرت یکی دیگر از اسرار رفتی خود را موسوم به جلال امین همراه داشت.

موضوع مخصوص اتحادیه دانشجویان کره دانشگاه

راجع بفرهنگ کردستان

فرهنگ گذشته ملت تاخیریکی از جلالت استعداد و فرهنگ قبل از این ملت بوده و روح نامعایه کیمقامات آهنگ نوشته مردم در آن است. این جشنی را که راجع بفرهنگ شروع کرده بودیم دنبال شنیدن اینک دانشروز کادر دبیری فرهنگ کردستان را مورد مطالعه قرار میدهم .

مطالعه به تازگی دبیری فرهنگ منتج هم مناسب با سایر کشورهای آن ناهس است بلکه میتوان گفت خیلی بیشتر از فرهنگ دیگر ناس دارد و بنیاده ما بدون آشنائهای لازم و وسایل تحصیل بوده که کافی منکن است. موضوع بزرگی برای ترقی سطح فرهنگ بی ناهجه یافته و نداشتن دبیرهای کافی و وجود شرایط حاصل بیار بیار گریز است که به تنهایی میتوان مانع از ترقی و توسعه فرهنگ به منطقه بشود .

کردستان تاکنون نتوانسته است از دانشجویان کره که در دانشگاه به تحصیل خود ادامه میدهند در فست دبیری استفاده نماید و علت این امر نیز توجه اولیای امور و اهالی منتج و بدون هیچگونه تنقیق میباشد که دانشجویان را وارد بورورد دانش سرای عالی نمایند بطوریکه اکنون در تمام کردستان پائشاهی رئیس فرهنگ منتج حتی به لپسانیه کرد میروند اداره هفتادشکله روز کرد بودند و در هاتکی میباشیم فقط یک منتظر است که برای خواننده گان محترم شرح بکنیم

خرای و عقب مانده کی منتج از پیشتر ویکه به نفاظ ابران و بودن هیچگونه وسایل زندگی در آن موجب شده است که حیوانات بزرگ نیز غیر کرد ما کتر شوند بزرگ در آن آسایش خوبی روی این اسلزه های کیمقامات دانشروز فرهنگ منتج منتقل میشوند بیشتر از دستاویز توبت نگرفتن حاضرین است مدتی از دیالکت شروع هم میروند و بشرطی که از منتج بر نه چنانکه این

یاد در سال جاری و اگر دانش گفته نظر پیدا کرد و مل میتراندم یک زکادر دبیری منتقل از خود کردستانی فرهنگ میباید از نظر ملات که باطنیم بزرگ کافر و مدتی که بزرگی از آنجا داشته مدتی بیشتر را بدست در فرهنگ آنجا میگردد هم توجه باین موضوع موجه شده است که امروز فرهنگ کردستان از یک دوره سلسله

و ناپسند شده و تازگی شده اند که لپسانیه کاوروزی و تنی برای تخریب استفاده ناپسندیم کلاسهای دبیرستان آنجا بیوسم فارغ التحصیلان دانشسرای مقدماتی حتی دارند گان صدیق های پانین تری اداره دانشجویان که است که سطح معلومات مقدماتی که از این مدرسه خارج میشوند همین نسبت با این است و کلاسهای عالی چهار کلاس تا تخریب میشوند .

اکنون در منتج که چند دبیرستان و کلاس ۶ ادبی دارد لپسانیه های تازگی و جرایبنا و یادیات بیوسم وجود

کوستان

بلم جلال طامری

ای مردم گروس! دفع فاسد به افسد نکند برای شما ملایری چه کرد که بود برودر نکند

.. از ماه های قبل از مناروتی که در مجلسی با یکدیگر برخوردی زده شد ، از همان وقت دست های آزادی خواهر و رهون نکر که امروز وارد میدان سیاست می شوند در مدد انتقام از جانباغیران برآمده تشکیل منقشی دادند .

در تمام شهرهای ایران بر علیه لپانیه گان که انتساب به بیگانه داری و از وجود و فقرت خارجی سوء استفاده کرده بودند نظاراتی عمل آمدند و سرانجام بر مردم اعمال آزارنازوری مردان صالح و مناسی بود که برای

دوره ۱۰۰ روز دختر گرفته شدند با همان ولایات و دولت ها که خود مثل سقر و منقش نگاه میکنند صورت کاهبه اهالی را که در توچه شیرستان مورد نظر اند مطالعه نمایند . به پیته بسرانان گروس چگونه در صدر جریان مانات بر آمده علی رغم کارشکنی مردان اجتماع بدرد مردم توجه کرده اند .

... ماطرة مبارزات خوین مشروطه طلبان که موجب بیابیش حکومت نسی کردید اسامی پادشاهان فراموش نبوده اند .

مردم سایر قراقرم اسامی امروز می خواهند در ازای فقرت سکونتی که پایه آن ترویج ناپاک مردم و پشتیانی اکثریت بدو است مردان به مجلس شورا بفرستند که نت که گذشت را پاک کرده تحسینات آنگان از نسخ

نوده دروزندگی اجناسی مانند ری وانی داده فریبچارا ثابت بکنند . من خود نظار ترمیم اعتباراتی در برخی از شهرهای ایران بوده ام ، در تمام این قراقرم مردان از افراد کثیر و لگه دار و غیر محلی متفر و متجزر بوده و بدور خالصی و صالح هلکه داده اند ، بدور مردمی عیب شده اند که دامن پاکشان به لگه اجنبی برستی و

جیات ملوکونی نمی شود و مردمانی و شبت کالت بر گرفته اند که نامشان واپرده و زشتکار بودیوشی نیستند . در این موضوع بیگانه است که در نظر این جنبش تخریبی مردم سایر مردان کرسی دست و پا در شهرها از یکدیگر کوی میباید بوده و وجهه ای آن پشتی یا بیعتی با متاعی خود و اولاد خود تری هر فرد اجناسی و صاحب جایگاه درک آن می کند که بزرگترین جایگاه التیام درد و مسن ما مجلس شورای ملی است و هر سالگی می خوریم و دهکده است و این فرار کادر گریزگان ملت باید

روح وطن پرستی و هوسات نفاکاری و در دستکاری با کمال قدرت و سبطوه سالم باشه ..

مردمان میباید به آرزو نیکو چنین دستکاه بیروندی ما مستقیم ، ما افراد این اجتماع هر کدام موظف به تکمیل اساس این چنین مجلسی باشیم و وظیفه فرد فرد ما این است که هر کسی بانسختی تجربه و تکرار واقع نامست آور و تقویت مردان با همتا زبان کوهنا باشیم و کلیه سعادت خویش را بدست هناری سپاریم که آنگان با تدریس کامیاب بتوانند مشکلات مارا به غرضی و داخلی حل و فصل نمایند و تاریخ سون و تاریخ مارا از کرد و وسکن زده یون کشیده بودی و قدرت و اقتدار

مردمانی که در هر زمانه زندگی سیاست بازو گار و موافق و مخالف نکرده و نشو کرده و طغر دست و قدرت نرفته باشد مرتبه را بدست سلفان فرومایگی کرده اند در چنین مواردی حساس که در تاریخ مایا بتاریکی یا به نورتابی خود و وجود آن در تریه مسئله خود که مدخل است با درازان و او با شورا را که با هم ملت خاروا ملت اند گرفته

مردمان از این اشتراک و دگرگونی زندگی رهائی بپندند مردم گروس ، قضا در تاریخ زده کی با ایداجه دانشجویان خود روشنی از خیانت وطن پرستی و آرامش و سعادت داشته و هر یک از دانشکده ها

بهم خود دشمنانی سرزمین نوده اند که هر وقت وارث مردمانی شدید که در تاریخ کردستان نام خود شاید داشته باشد .

سکوت و خودی و عاشوسی و لب سفرد بشتن شما دران مورد موجب آن می شود که ورق تاریخ زندگی شان به یک بار دیگر در برابر منقش فرورنه و متشکل عظیم به مشکلات بپردازد .

هیچکدام از شما نیست که امروز غافل باشد از اینکه شرح گروس و مردمی آن در ، بکه کوران هم انگیز از سر بردی و فقر و تبسب و بدبختی بیخشی می زده و حامل و نسبت این بدبختی ما نداشتن دلوسوزی ، دل سوگی که درد شما ابدانند و مطایب ناپاک شما رفتار بکنند .

مردمان .. فرهنگ و بهداشت و آزادی و استقلال و مسکن و پوشش از نوازه زندگی است در برابران امروز برای آنکه با هم مسائل و مسایل سیاسی مدتری پیدا کنند مسم اند که در انتقام دوره ۱۰۰ ناپاکت سنی و گوش

که بنیاید که مردمانی صالح و باوجدان پای به هر مجلس شورای ملی تپنداشا که به ضرری از این اجتماعید و اما اسف آور است که در درس نرزش خود و غافلانه نکرده و بیاری خداید ننگار و از میان دور نکرند . . . هیچکدام از شما از انتخاب شیخ

نایب در مساله

آنگی

بدین وسیله اطلاع آنگان دانشجویان کره که هنوز در اتحادیه کره دانشگاه نام نگرفته اند میرساند چنانچه مایل ببول خدمت هستند در فرهنگ دبیری و ادار سازی و دلدان اینکام و کلاس و کول و دانشگاه های علوم و ادبیات آنگی ناصر مستونی دانشگاه سونق آنگی مادی .

اتحادیه دانشجویان کره دانشگاه تهران

بنگینه

« بنگینه » استن حاجی ، بر بائر واز لاملل کلاتر سقر می باشد . بنگینه پس از فوت پسر با پدر بر برکت از خود ایس ازاروش یکدستگاه حارت واثانی سپوب سلیابه عازم هده ویاووبو اینکه خرسال بود بشاگرد ناوانی پرداخت وحالیه م به ناوانی انتقال وانتظار دارد . بنگینه اغلب روزنامه های را که برای دوستان خود مبرسته باشیر ناوانی دست خود می سپاند و بدان انتظار ویامان مینشاید . این عمل که از نضوسیمان اوست نشانه علاقه مخصوص ای بنگین خود میباشد .

وجه تسمیه بنگینه از این بدست آمده که جناب حاج توفیق بیك مدهر روزنامه «دین» در نایش نامه که در موضوع داستان «موزین» بقلم مجریه آسای خود نوشته بوداز «حاجی» دعوت کرد که در «بنگینه» نوکردم و «باری» کند .

حاجی خود در خودرا بازی کرد و از این نایش نام بنگینه برایش یادگار مانده که اورا تخلص خود قرار داد . بنگینه تحصیل خود وارد کلاس های آکاآر لقبی لوده مستخر معلومانی کسب کرد ولی طبع روان و تفریحه خدادادی او طوری است که اخبار ملی کردی ساده و سلیس را بنظم در آورده خود وطن پرستی خود و انسانیت مبادد در شان خود ۸۵۳ سالی پیشین روزنامه «ن» اشعاری را بنگینه نضوسیم کردستان چاپ شده بود که بنگینه برای نفع دانی میان درج بنیامین

به هوی ژبنه و یو کوهستان

بوسله «دین» برای «کوهستان»

ژبني خوښه و پښتني کسي پير نالدي کوهستان له چاهاژ پسر بنومه نامه ی من پ- و کوشستان چيروکسي نازوي غانسي اردلان گيانسي خيبرتم خيبرن کوهستان لاپه روي له مروت که و توت ميدان ده س يزي غانسي داداني ميرمان و نو ساکي چاري کوردايي ايران خوش نتيبه که ي پايختي نران دل سوزه زانا بو گکت کوردستان هارلا ده يتم هه و کوهستانه واله که ژوبنا ده س له ملانه زين له کوشته سو نومي کوردان خسه ي کوهستانه تاريکي شه وان اکابه گيوان برفته اغشاه باغ و بوسنان موده ته پشي به گکت پښتان ام ميانه کتراهه س له مللان روشاي چاري خيل و که لاسن « بنگينه » ژ بنه و يوانه پير يوانه واپنه که کويکه ي هيو پښتنيان شرح فوق را آبي نيزه از سقر ارسال داشته است .

حکومت ژبن العابدین خان حاکم الملک

پیراز هرگز ما را زین الیابیدین خان امام الملک فرزند اکبرولی مدانسی (امیر المومن) در زیدیه ۱۳۱۲ هجری بیست حکومت وارد کردستان شد . قمر السلطنه دختر مظفر الدین میرزای ولیعهد خیال اعتمادالعلوه پسرش بود او را با استقامت ایروند همراه خود به کردستان آورد و در رتس دیوانخانه او انظار دیوان بود که انبیا نامه دیوان خدمتی های او هم می دیدن بود آرزوه خواتی مسم که او را خراب غلظت میکرد که بعد مده المومن کردستان شد . بنزوان وروده شوش همراه داشت حاکم الملک شخص میانش خویش طبع خوش نظر تر بذاتی بود در حکومت کردستان متعهد و از نا هنگام صرف نام بر یا غلظت و تزارف بر مردم داد در مدعی نتجیح هم غیثی منصب بود و در مرتبه

گرد و گردوستان شه اردلان

(۷۶)

امیر نظام چون شخص سلیبه ودیا دیده بود تمام این روضیات و مراسم و مولوف و شروک داشته موداد ۱۲ گانه ورود حکام را بنگی الیا سوه لفظ دستور داده بود که چند نفر از آن معاریب علما در دارالعلوم که در امان کوشی حضور داشته باشند امیر نظام بر ایشان ورود نمود با بیانات فصیح بکنایگان را در امان و فرین مرت سوه پس از رفتن علما از آن اهراب راهم خوست و بطور ایستاده و از تر خود نشانه است (۱۳۲۷) در و پنجم رمضان (گروس) خنوله شد و در پنجم رمضان (۱۳۱۷) در کرمان متوفی گشته است تفریات امیر نظام تدبیر و دروئی هبل بوده است و تمام مقامات لشکری و کثوری را با زست و ابراز لیاقت طی کرده است از چهار نفری که در ایران دارای نشان قس بوده اند یکی امیر نظام است که از نشانهای دوجه اول ایران می باشد .

حکومت قمر قراقرضا سالار لشکر پس از هوزاری نظام در قیام ۱۳۱۱ حکومت کردستان به جوو کردستان هبل المصنیر میرزا قراقرضا سالار لشکر و گذار و در همین ماه میرزا علیخان بهمت اللک (سردار متصدد) بیوان نیابت حکومت از طرف او برگردان آسده بهمت اللک شخص کافی کار آگاهی بود در مدت نیابت حکومت خود با مردم حسن سلوک بخرج داده اعیان از طرف او تاروار خوشبودند علیا کبرخان شرف اللک در پنجم ذوال رحست ایرونی بیسته ملا محمد صالح نغزللقا و شیخ حسین کافی شکاتی هم در جداد الیابیدین حسین سال فوت کردند در اوایل و میچ الیابیدین ۱۳۱۲

حکومت حیدر المصنیر هوی مولف پسرش شوق الیابیدین ملا شد بسترگی کردید با او را همین ماه حیدر علی خنوله امامجه اول مولف ذریعش در اغلب الجنب گرفتار شد و در پنجم نوم جاندان الیابیدین که چهارده سال عمر داشت بواسطه کالت بدو فرود آمد و در پنج فریاض مسا وارد کردستان شد جسمی از امان و مجال کردستان با استقبال او شتافته دو کرده بر سر محمد (که کوله) باور رسیدند .

بواسطه آمدن برف و سرد سردار تریات منزله استقبال هم خود فرود میرزا وارد دارالعلومه شد پس از دوروزه نمایان او میرزا علیقلی آسده دولت (گروس) که در گت مکه و غلظت وزارت و پیشکاری را برای او فرستاد در ۲۶ رمضان منزلوز پهلران مراجعت کرد .

مشر دیوان هم میرزا هیدالکریم وزیر در همین مجلس شت حکومت کردستان را بصدقه علیخان نظیر اللک می کرد و در فرمان شاهی را که برای او صادر کرده بود برای تسلیم بنیامین پهلران سر تنگی پسران او را هم غلظت ها میبرید فریاد اولی هس تمام پیشکاری و وزارت عالی (امیران مسا) صلوان و پیشکارا وزیر و پیشکارا وزارت میگفتند (بشیر دیوان پیشکارا نظم و نظم شهر سر مریش جماعت بود و صاری او با میان آقا و خان و کیهو گدار مینباید .

هموما از این طوالت کیهو که که اساسات البیت و اثنان میداده خوشتره و مستشکره هیدالکریم خود بر اثنان (بصارت مدایات در این زمان الیابیدین است .

در امان عاشورار وروده خواتی لوده هر مرتبه متناووز از سه هزار تومان به مصرف وظایف هرا میرساند در اطمان دلگشا گفت شب خادم دیوانه شب اول موهده و ملاط و حافظین ترانوا دعوت مینمود شب دوم هسوم خواریون ایجان شهر هسوم موم گب و تجمان بازار هس چهارم هسوم اول فقر شب پنجم صاحبان و اجراه توفیانه شب ششم و ششم فقر و ساکین شهر که پس از صرف شام بر پهلران بنگینه اشعاری پنجهاری هم مطا میگرد شب هفتم غلام های شیر و خواتین و منتزعات خان امام الملک با استقامت ایروند پسرش در تمام لیلی و ایام مقدس را با ایس سپاه و پسا برهمنه و سینه بلال شب پنجمه شتی را انجام میداده و سیرای هسوم پای و نیوه و لیان و تاب س یا آورده و نا هنگام صرف شام بر یا متشوق خدمت بودند موع شام دو پاین سفره که چهار نوع در چهارده

